

## باسمه تعالی

- ۱..... **مقدمه واجب**
- ۱..... **امکان واجب معلق**
- ۲..... حل شبهه تحقق واجب معلق توسط مرحوم اصفهانی
- ۲..... خلاف ارتکاز بودن عدم فعلیت وجوب ذی المقدمه و فعلیت وجوب مقدمه
- ۲..... توسعه واجب معلق به قیود مقدور
- ۳..... شروط سه گانه جریان بحث ملازمه بین وجوب مقدمه و ذی المقدمه
- ۴..... مختار استاد در شروط جریان بحث ملازمه
- ۴..... ثمره بحث امکان واجب معلق و عدم امکان آن

**موضوع:** ثمره بحث / امکان یا عدم امکان واجب معلق / مقدمه واجب

**خلاصه مباحث**

بحث در مورد استحاله واجب معلق بود. مرحوم نائینی فرموده بود واجب معلق و همچنین شرط متاخر در واجبات تدریجیه موقته و غیر موقته اتفاق افتاده است. اما ایشان شرط متاخر را به شرط مقارن برگرداند و واجب معلق را نیز توجیه کرد. لذا طبق مبنای ایشان واجب معلق و شرط متاخر در شریعت وجود ندارد. اما استاد کلام ایشان را نپذیرفت و در نهایت فرمود: وجود واجب معلق و شرط متاخر در شرعیت باید باعث بشود که شبهه مرحوم نائینی در مورد استحاله واجب معلق و شرط متاخر از بین برود.

**مقدمه واجب****امکان واجب معلق**

مرحوم نائینی که منکر واجب معلق و شرط متاخر شده بود، دو نقض را مطرح کرد و از آن ها جواب داد. نقض دیگری مرحوم اصفهانی اضافه کرده است.

## حل شبهه تحقق واجب معلق توسط مرحوم اصفهانی

مرحوم اصفهانی فرموده است: در واجباتی که متوقف بر مقدمات سابقه هستند، باید قائل به واجب معلق بشویم. زیرا مادامی که این مقدمه سابقه انجام نشود، قدرت بر ذی مقدمه را نداریم. لذا گفته می‌شود: اگر وجوب ذی مقدمه فعلی نباشد که خلاف ارتکاز است و اگر وجوب ذی مقدمه فعلی باشد که همان واجب معلق است.<sup>۱</sup>

بعد ایشان جواب داده است: وجوب نسبت به ذی مقدمه فعلی نیست. بلکه وقتی فعلی می‌شود که مقدمه انجام شود. بعد اشکالی مطرح شده است که پس چرا مقدمه واجب است؟ جواب داده است: همین که شارع شوق به ذی مقدمه دارد هر چند که هنوز وجوب را جعل نکرده است، اراده به مقدمه ترشح می‌کند. لازم نیست که وجوب ذی مقدمه فعلی بشود بعد وجوب مقدمه فعلی بشود.

## خلاف ارتکاز بودن عدم فعلیت وجوب ذی مقدمه و فعلیت وجوب مقدمه

این که مرحوم اصفهانی فرموده است: تبعیت در وجوب بین مقدمه و ذی مقدمه لازم نیست، مطلب درستی است. بلکه به نظر ما اگر شوق هم نداشته باشد ممکن است مقدمه وجوب داشته باشد و اثر چنین جعلی این است که شارع می‌داند در وقت امتثال ذی مقدمه، توانایی انجام مقدمه را نداشته باشد و از الان برای آن وجوب جعل می‌کند. اما این که ایشان ادعا فرمود: در واجباتی که متوقف بر مقدمات سابقه هستند وجوبشان بالفعل نیست، درست نیست. زیرا خیلی خلاف ارتکاز است. مثلاً تا وضو نگرفته باشد وجوب نماز فعلی نشده باشد، خلاف ارتکاز است. این که واجباتی متاخر از مقدمه هستند، وجوبشان قبل از انجام مقدمه، فعلی نباشد، پذیرفتنی نیست و فقهی نیست. مرحوم نائینی هم که اشکال داشت این مطلب را قبول داشت که وجوب فعلی است.

## توسعه واجب معلق به قیود مقدور

مرحوم آخوند فرموده است: صاحب فصول واجب معلق در جایی است که واجب، مقید به قید غیر مقدور باشد، وجهی ندارد. بلکه مهم این است که وجوب فعلی باشد و واجب استقبالی باشد. ممکن است واجب مقید به قید مقدور باشد و قید مقدور هم یا واجب التحصیل است و یا واجب التحصیل نیست. در بعضی از نسخه ها نیز این سه قسم را مطرح کرده است. به تقریرات نیز

<sup>۱</sup> مقرر: ظاهراً از عبارت لذا گفته می‌شود را خود استاد برای تقریب کلام مرحوم اصفهانی فرمودند.

<sup>۲</sup> کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۰۳.

رجوع کردیم، این سه قسم مطرح شده بود. تعلیل مرحوم آخوند نیز همین سه قسم را افاده می‌کند. زیرا ایشان فرموده است: مهم این است که وجوب حالی باشد و واجب استقبالی باشد.

مرحوم مشکینی اشکال کرده است که صاحب فصول این تعمیم را مطرح کرده است و وجهی ندارد که مرحوم آخوند این اشکال را مطرح کند.

به نظر ما مرحوم مشکینی دقت نکرده است. مرحوم صاحب فصول در تعریف واجب معلق تصریح دارد به این که وجوب فعلی است و واجب، معلق به امر غیر مقدور است و عبارت فصول ربطی به توسعه واجب معلق ندارد. صاحب فصول می‌خواهد بگوید: همان طوری که در واجب معلق وجوب فعلی است و واجب که غیر مقدور است، استقبالی است، ممکن است در بعضی موارد وجوب فعلی باشد و واجب مقید به امر مقدور باشد و استقبالی باشد. می‌خواهد یک فرض دیگری برای انفکاک وجوب از واجب مطرح کند نه اینکه واجب معلق را توسعه بدهد. یعنی انفکاک منحصر به واجب معلق نیست بلکه در موارد دیگری ممکن است انفکاک محقق بشود. نه این که واجب معلق یک فرد دیگری دارد. بلکه انفکاک وجوب از واجب دو فرد دارد. واجب معلق از اول منحصر به قید غیر مقدور است.

اشکال مرحوم آخوند نیز این است که این انحصار وجهی ندارد و مهم این است که واجب متاخر از وجوب باشد و واجب معلق اوسع از این مطلبی است که صاحب فصول می‌گوید. البته حق با مرحوم آخوند است که واجب معلق توسعه دارد.

### شروط سه گانه جریان بحث ملازمه بین وجوب مقدمه و ذی المقدمه

مرحوم آخوند قبل از این که ثمره بحث (امکان واجب معلق و عدم امکان آن) را بیان کند، مقدمه ای را متعرض شده است. ایشان فرموده است: مقدمات وجودیه (که از محل بحث خارج هستند) اگر بخواهند وجوب پیدا کنند، باید ذی المقدمه وجوب داشته باشد. یک تبعیتی بین وجوب مقدمات وجودیه و وجوب ذی المقدمه وجود دارد. بعد یک قیدی را اضافه کرده است و آن این است: زمانی بحث ترشح وجوب از ذی المقدمه به مقدمه مطرح می‌شود که مقدمه سه شرط داشته باشد:

اولاً: مقدمه وجودیه، مقدمه وجوبیه نباشد. زیرا اگر مقدمه وجودیه ای که مقدمه وجوبیه هم باشد، معنایش این است که قبل از مقدمه وجوب نیست وقتی وجوب نیست ترشح معنا ندارد بعد از آمدن مقدمه هم که دیگر وجوب معنا ندارد زیرا طلب حاصل است. مثل موردی که فقط مقدمه وجوبیه است.

<sup>۱</sup> کفایه الاصول مرحوم مشکینی. ج ۱ ص ۵۱۱

<sup>۲</sup> کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۰۴.

ثانیا: ترشح وجوب به مقدمه ممکن باشد. (ترشح یعنی ناشی شدن وجوب از اراده ذی المقدمه) اگر مقدمه وجودیه عنوان مکلف شد مثل المسافر و الحاضر ملازمه بین وجوب ذی المقدمه و مقدمه نیست. از وجوب ذی المقدمه وجوب مقدمه ترشح نمی‌کند. زیرا خود شارع گفته است مسافر نماز شکسته بخواند. یعنی اگر مسافر شد<sup>۱</sup> معنا ندارد که تحصیل آن وجوب داشته باشد. ایجاد موضوع واجب نیست. معنای موضوع این است که اگر محقق شد، حکم هم هست

ثالثا: مقدمه وجودیه را شارع در واجب به صورت اتفاقی اخذ نکرده باشد. زیرا خود شارع گفته است که واجب التحصیل نیست. اگر بگویید باید تحصیل بشود، خلف است.

لذا مقدمه وجودیه ای که مقدمه وجوبیه باشد یا موضوع حکم قرار بگیرد و یا به صورت اتفاقی اخذ شود، وجوب ذی المقدمه به این موارد ترشح نمی‌کند.

### مختار استاد در شروط جریان بحث ملازمه

این که مرحوم آخوند فرمود این سه مورد وجوب ندارند، درست است. اما این که این موارد را سه قسم کرده است، درست نیست. بلکه دو قسم بیشتر ندارد. زیرا مقدمه ای که به عنوان موضوع اخذ شده است، مقدمه وجوبیه است و شرط حکم است. این که دومی را در مقابل اولی قرار داده است، درست نیست. دو قسم بیشتر وجود ندارد:

اول: مقدمات وجودیه مقدمات وجوبیه نباشند و باید فقط مقدمات وجودیه باشند.

دوم: مقدمات وجودیه به گونه ای نباشند که علی سبیل الاتفاق باشند.

به عبارت دیگر، ما می‌توانیم بگوییم که اولی هم لازم نیست. زیرا بحث ما در مورد مقدمات وجودیه است. لذا مقدماتی که خلاف آن را در خطاب نیاورده است محل بحث است و الا از محل بحث خارج است.

### ثمره بحث امکان واجب معلق و عدم امکان آن

ما در شریعت یک سری مقدمات وجودیه ای داریم که واجب هستند، در حالی که وجوب ذی المقدمه به حسب ظاهر فعلی نشده است. در حالی که باید اول ذی المقدمه وجوب داشته باشد تا بحث وجوب مقدمه مطرح شود. یک سری مواردی داریم که خلاف این بحث است. واجب معلق برای حل این بحث است. ادامه بحث در جلسه آینده.

<sup>۱</sup> فرض بشود که مسافر در جایی مقدمه وجودیه باشد.